

## ارزیابی عوامل موثر بر اجرای حکمروایی شهری مشارکتی (برنامه NBN) در منطقه ۲ کلان‌شهر تبریز

فروغ اندستا<sup>۱</sup>

شهریور روستایی<sup>۲</sup>

### چکیده

گسترش شهرنشینی و به دنبال آن، مشکلات خاص زندگی شهری، بیش از پیش توجه به راهبردها و چاره‌های سودمند برای بهینه‌سازی زندگی شهروندان را ضروری کرده است. در چند دهه اخیر، با مطرح شدن مفاهیم و رویکردهای دموکراتیک، الگوهای جدید حاکمیتی شکل یافتند. یکی از این اشکال جدید، جنبش حکمروایی خوب شهری بوده است. این الگو به عنوان فرایند مشارکتی تعریف می‌شود که با مشارکت شهروندان و تعبیر نقش و کارکردهای حاکمیت محلی همراه است. در این راستا، برنامه NBN با اصطلاح «همسایه‌ها محیط پیرامون همسایگی خود را می‌سازند»، به عنوان یکی از موفق‌ترین راه در زمینه مدیریت شهری و حکمروایی خوب شهری در طی ده سال گذشته در شهر روستای نیویورک می‌باشد. در این برنامه، همه شهروندان سعی در ساماندهی محیط زندگی اطراف خود می‌باشند. هدف از انجام این پژوهش، ارزیابی عوامل موثر بر اجرای حکمروایی شهری مشارکتی (برنامه NBN) در منطقه ۲ کلان‌شهر تبریز می‌باشد. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و جامعه آماری با توجه به فرمول کوکران و جمعیت منطقه ۲ کلان‌شهر تبریز، ۳۸۲ نفر می‌باشد. برای گردآوری اطلاعات از ابزار پرسش‌نامه و برای تجزیه و تحلیل داده‌های حاصله از پرسشنامه از نرم افزار لیزرل و SPSS استفاده شده است. با توجه به نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها، در محیط برنامه لیزرل مدل از برازش مطلوبی برخوردار بوده و در بین شاخص‌ها، شاخص «توافق جمعی» به عنوان شاخص اول محاسبه گردید. این بدین معنی است که منافع مختلف جامعه به سمت اجماعی گسترده که بهترین منفعت را برای تمام اجماع و همه شهروندان در پی داشته باشد، هدایت شود. هم چنین در نرم افزار SPSS با توجه به آزمون تی تک نمونه‌ای، عوامل موثر در حکمروایی شهری مشارکتی (برنامه NBN) در منطقه مذکور، از وضعیت خوبی برخوردار نمی‌باشد.

**واژگان کلیدی:** حکمروایی خوب شهری، مشارکت شهروندی، برنامه NBN، منطقه ۲ کلان‌شهر تبریز.

### مقدمه

افزایش سریع جمعیت توأم با گسترش شهرنشینی و مدرن‌شدن جهان، مشکلات فراوانی در کشورهای مختلف، به ویژه کشورهای جهان سوم ایجاد کرده است. زیرا سرعت و اندازه رشد شهری و شهرنشینی در کشورهای درحال توسعه هم چون ایران، به مراتب بیش از دیگر شهرها بوده است. این مشکلات به طور عمده از عدم تطابق نیازهای گسترده جمعیت شهری روزافزون با توانایی حکومت‌های محلی و مدیریت شهری در پاسخگویی به آن‌ها ناشی شده است. کمبود مسکن و گسترش آلودگی ناشی، گسترش بخش غیررسمی در اقتصاد شهر و به تبع آن افزایش نابرابری‌های اجتماعی، کیفیت پایین خدمات شهری، دسترسی محدود اقشار فقیر شهری به تاسیسات زیربنایی، کاهش ایمنی و امنیت شهرها، بخشی از این مشکلات به شمار می‌آیند (برک‌پور و اسدی، ۱۳۸۸: ۸). از این رو، اهمیت حفظ تعادل میان نیازهای اجتماعی، اقتصادی و محیطی حال و آینده از طریق توسعه انسانی پایدار، تغییر الگو و سرمشق در مدیریت شهری و ارائه خدمات آن پدید آورده است. این دگرگونی با ورود مفاهیمی چون حکمروایی شهری، مشارکت شهروندی رخ داده است. رفا هر

<sup>۱</sup>. کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، آمایش شهری، دانشکده برنامه‌ریزی و علوم محیطی، دانشگاه تبریز (نویسنده مسئول)

Email: Forough.andesta@yahoo.com – Tel: 09143092206

<sup>۲</sup>. دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده برنامه‌ریزی و علوم محیطی، دانشگاه تبریز

جامعه در گرو ایجاد اطمینان از این نکته است که همه اعضای آن احساس کنند که در آن سهمی دارند و در واقع از جریان عادی جامعه کنار گذاشته نشده‌اند. در همین زمینه، حکمرانی شهری پیش‌شرطی برای توسعه پایدار است (شریفیان‌ثانی، ۱۳۸۰: ۴۲-۴۳).

در این راستا، یکی از خلاقانه‌ترین و موثرترین شیوه‌ها در زمینه مدیریت و حکمروایی شهری معاصر که حدود دو دهه از آن در شهر روچستر ایالت نیویورک می‌گذرد، شیوه مدیریتی مرسوم به NBN<sup>۱</sup> است. این شیوه در واقع یک سیستم مدیریت شهری است که بر پایه مشارکت حداکثری شهروندان بنیان نهاده شده و در آن، مردم همگام با دولت در تمامی تصمیم‌گیری‌های مربوط، مشارکت می‌کنند. این شیوه اقدام نوین و پربازده را که در اصطلاح «همسایه‌ها محیط پیرامون همسایگی خود را ساماندهی می‌کنند» عنوان گرفته است، می‌توان یکی از جدی‌ترین گام‌ها در زمینه تمرکز زدایی از مدیریت متمرکز و «برنامه‌ریزی از بالا به پایین»<sup>۲</sup> شهری و حرکت به سوی حکمروایی مشارکتی غیر متمرکز و «برنامه‌ریزی از پایین به بالا»<sup>۳</sup> دانست (اسفندی، ۱۳۹۱: ۱۰۹).

اما ارزیابی تجربیات برنامه‌ریزی و مدیریت شهری در ایران حاکی از تمرکزگرا بودن آن است و هدایت و مدیریت توسعه شهرها از طریق سازمان‌های عمومی و دولتی در سطوح ملی، منطقه‌ای و محلی انجام می‌پذیرد. این نظام دارای تنگناهای عمده قانونی، ساختاری، عملکردی و ارتباطات بین سازمانی است و علیرغم تلاش برای برقراری تعادل میان انسان، فضا و فعالیت در پهنه‌ی سرزمین به تمرکز بیشتر انجامیده است (حناچی، ۱۳۸۳: ۷۸). نظام مدیریت شهری کلان‌شهر تبریز نیز هم‌چون سایر کلان‌شهرهای ایران دارای نظام مدیریت شهری متمرکز بوده و منطقه ۲ این کلان‌شهر نیز از این قاعده مستثنی نیست. لذا در این پژوهش سعی شده است که عوامل موثر بر اجرای حکمروایی شهری مشارکتی (برنامه NBN) مورد ارزیابی قرار گیرد و به این پرسش پاسخ داده شود که وضعیت شاخص‌ها جهت اجرای این برنامه در منطقه مذکور (سطح معنی‌داری شاخص‌ها) به چه صورت است؟

همان‌طور که ذکر شد با توجه به اهمیت و ضرورت حکمروایی خوب در فرآیند مدیریت شهری در سالیان اخیر تحقیقات زیادی انجام گرفته است که در ذیل به چند نمونه از آن اشاره می‌گردد:

ابراهیم‌زاده و اسدیان (۱۳۹۲)، در تحقیقی با عنوان "تحلیل و ارزیابی میزان تحقق‌پذیری حکمروایی خوب شهری در ایران، موردشناسی: شهر کاشمر" با استفاده از رویکرد توصیفی-تحلیلی و به‌منظور جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز از طریق بررسی میدانی و تکمیل پرسشنامه و با استفاده از نرم‌افزارهای Excel و SPSS و ارزش‌گذاری متغیرها با بهره‌گیری از طیف لیکرت مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. نتایج تحلیل بیانگر آن است پس از انجام آزمون T-Test و میزان Sig بدست آمده برابر با ۰/۰۰۱ بوده است، نشان از پایین بودن میزان تحقق‌پذیری حکمروایی خوب شهری در شهر کاشمر می‌باشد.

مشکینی و موذن (۱۳۹۳)، در پژوهشی با عنوان "تحلیل حکمروایی مطلوب شهری در پایداری شهرها، مطالعه موردی: شهر عجب‌شهر" از روش توصیفی-تحلیلی به شیوه کتابخانه‌ای و پیمایشی استفاده شده است. در بخش کتابخانه‌ای از مطالعه و بررسی منابع مربوط فارسی و لاتین و در بخش پیمایشی نیز از ابزار پرسشنامه و تکمیل آن به وسیله شهروندان بهره گرفته شده است. نتایج پژوهش نشانگر این است که به لحاظ حکمروایی مطلوب شهری شهر عجب‌شهر از وضعیت مناسبی برخوردار نمی‌باشد و به لحاظ ابعاد پایداری شهری نیز در وضعیت ناپایداری قرار ندارد

Nurudin et al (۲۰۱۵)، در پژوهشی با عنوان "فرآیند مشارکت مردم در اداره حکومت محلی (مطالعه موردی: شورای شهرداری شهر سرمبان، مالزی)"، با هدف نمایش دادن سطح مشارکت مردمی در حکومت محلی، تدوین شده است. در این پژوهش، جهت بررسی کردن اهمیت واقعی مشارکت مردمی، شهر سرمبان مالزی به عنوان مطالعه پیمایشی، انتخاب شده است. در این پژوهش به این نکته اشاره شده است که مشارکت مردمی در تصمیم‌گیری‌های گروهی، در شفافیت اجرایی برنامه‌ها در شهر، نقش قابل توجهی دارد و یک راه حل بسیار

<sup>1</sup> Neighbors Building Neighborhoods

<sup>2</sup> Top-Down Planning

<sup>3</sup> Bottom-Up Planning

موفق و قاطع برای انجام موفق برنامه های توسعه ملی است. در این پژوهش ذکر شده است که موانع مشارکت مردمی در شورای شهرداری سرمدان از محدودیت پخش و انتشار از اطلاعات برنامه ها، ناشی می شود. در همین زمینه طی مصاحبه ای که با مردم محلی داشتند، ادعا کرده اند که به برنامه هایی که توسط شورای شهرداری سرمدان ساماندهی می شوند، آگاهی کافی ندارند. همچنین این پژوهش این واقعیت را اظهار داشته است که ظرفیت مردم برای مشارکت در برنامه ها، یکی از عوامل بسیار مهم محسوب می شود.

## مبانی نظری

### حکمروایی خوب شهری<sup>۱</sup>

از آنجایی که حکمروایی در بیانی ساده، فرآیندی از تصمیم سازی و روندی است که تصمیم ها در آن به اجرا درمی آیند، می توان آن را به قدمت تمدن بشری دانست. اگرچه کاربرد مفهوم حکمروایی شهری از اواخر دهه ۱۹۸۰ و از آفریقا آغاز گردید، اما «برایان مک لاین» اولین نظریه پردازی است که در سال ۱۹۷۳ به این مفهوم پرداخته است (تقوایی، تاجدار، ۱۳۸۸: ۴۷). او عقیده دارد تقاضای روزافزون مردم شهرها این است که حکومت شهری باید نسبت به روندهای تغییر در شهر «پاسخگوتر»، اقداماتش با مسائل شهری و تحول آن ها «متناسب تر»، نسبت به اجتماع «مسئول تر»، به عنوان بخشی از نظام یادگیری بهتر عمل کند و سرانجام نقش مهم در پیش بینی، کشف و استقبال از آینده ایفا کند. جهت تحقق این تقاضاها او ارتباط با نظام اجتماع را ضروری می داند و با این مقدمات حکمروایی را نوعی فرآیند می داند که متضمن نظام به هم پیوسته ای است که هم «حکومت» و هم «اجتماع» را دربرمی گیرد. پس از او افراد دیگری چون «مک کینلی»<sup>۲</sup> و «اتکینسن»<sup>۳</sup> نیز این بحث را مطرح کرده اند (برک پور، ۱۳۸۵: ۴۹۱). مفهوم حکمروایی خوب شهری جزء مفاهیم هنجاری بوده و می تواند به عنوان الگوی عملکردی استفاده شود. این حکمروایی می تواند به عنوان جستجوی راه حل هایی باشد که از طریق مذاکراتی که با استفاده از روش های متعدد و نیز درگیری بازیگران بخش رسمی (دولتی) و غیررسمی (غیر دولتی)، به دست آید. حکمروایی خوب شهری همچنین به عنوان یک مفهوم بنیادی با هدف بهبود مهارت های اداری و بهره وری، شفافیت، مبارزه با فساد و افزایش پاسخ گویی مقامات شهری برداشت شده است (Kadago et al, 2010: 1). برنامه توسعه سازمان ملل متحد، حکمروایی خوب شهری را مشارکت برابر همه شهروندان در تصمیم گیری می داند که نه تنها شامل دولت بلکه شامل جامعه مدنی و بازار است که در نهایت به ایجاد شرایط قانون مندی و کنش جمعی کمک می کند. حکمروایی خوب شهری در این معنی حاوی معنایی دوگانه است؛ به این ترتیب که در یک سمت این مفهوم به تجلیات تجربی انطباق با دولت با محیط بیرونی و از طرف دیگر بر الگوی مفهومی یا نظری همیاری نظامات اجتماعی و نقش دولت در این فرآیند مربوط است. بنابراین هرم حکمروایی خوب شهری حامل سه عنصر فوق خواهد بود که فقط یک ضلع آن مربوط به دخالت دولت است و اضلاع دیگر آن متحمل حضور جامعه مدنی و بازار است. همچنین مفهوم حکمروایی خوب شهری متضمن همه ویژگی ها و شاخص های هنجاری همانند شمول و دربرگیری، مسئولیت پذیری، انصاف و کارایی، مشارکت، نقش جامعه مدنی و غیره است و در عین حال این مفهوم به یک بعد فضایی اشاره می کند و شامل برنامه ریزی به عنوان کارکرد حکمروایی خوب شهری است (پورمحمدی و دیگران، ۱۳۸۹: ۴۱-۴۲). حکمروایی خوب شهری بایستی زنان و مردان را قادر سازد تا به مزایای حقوق شهروندی دست یابند. حکمروایی خوب شهری که مبتنی بر حقوق شهروندی می باشد، تصریح می کند که همه شهروندان اعم از مردان، زنان و کودکان از دسترسی به نیازهای ضروری زندگی شامل مسکن، امنیت شغلی، آب سالم، بهداشت، محیط زیست پاک و ... نبایستی محروم باشند. از طریق حکمروایی خوب شهری، شهروندان می توانند برنامه ای را تهیه دیده که به واسطه همین برنامه از استعداد خود برای بهبود موقعیت و شرایط اجتماعی و اقتصادی استفاده کنند (UN-HABITAT, 2002: 14).

<sup>1</sup> Good Urban Governance

<sup>2</sup> Mc Kinlay

<sup>3</sup> Atkinson

## مشارکت شهروندی

مشارکت به عنوان اساسی‌ترین عنصر در دستیابی به اهداف توسعه به ویژه توسعه شهری از اهمیت خاصی برخوردار است. هر چه توده‌ی مردم جامعه، مشارکت بیشتری در امور داشته باشند، امکان کسب موفقیت فراهم می‌شود، اقشار پایین و محروم جامعه از نتایج مشارکت و فواید حاصل از توسعه بهره‌مند شوند. مشارکت شهروندی در هر یک از مراحل و انواع طرح‌های عمرانی، سبب بهبود شرایط عمومی، توزیع قدرت و بالا رفتن سطح امید به زندگی می‌شود. هم‌چنین سیستم تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و مدیریت دولتی متمرکز را به سمت مدیریت محلی و از پایین به بالا (توسعه مشارکتی) با توجه به نیازها، امکانات، توانمندی‌ها و اولیتهای‌شان سوق می‌دهد (علیزاده اقدم و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۹۶).

مشارکت شهروندی از سال ۱۹۵۰، موضوع دامنه‌داری در حوزه برنامه‌ریزی بوده و به همین دلیل برنامه‌ریزان شهری تلاش کردند در تصمیم‌گیری‌های شهری، از نظرهای شهروندان آگاه شده و با همکاری آنان، برنامه‌های خود را عملی کنند؛ چرا که آنان معتقد بودند مشارکت، شهروندان را مسئولیت‌پذیر بار آورده و به فرآیندهای تصمیم‌گیری مشروعیت بخشد؛ یعنی حمایت عمومی از تصمیم‌گیری‌های اتخاذی از سوی مسئولان، سبب می‌شود مسئولان امر به راحتی برنامه‌های خود را عملی کنند (Brown and Harris, 2005: 97-99).

اینکه حکمروایی مشارکتی از کجا باید شروع شود؟ از جانب حکومت یا از جانب جامعه؟ عنوان شده است «جامعه مدنی مهم‌ترین بستر برای حکمروایی است؛ زیرا جامعه مدنی فرآیندهای مشارکت عمومی و حل مسئله را به شیوه‌های غیرسلسله‌مراتبی به وسیله مجموعه‌ای از کنشگران جدید از سازمان‌های غیردولتی تا جنبش‌های اجتماعی، تسهیل می‌کند» (Chotary and Stoker, 2009: 174).

## حکمروایی خوب شهری و مشارکت شهروندی

الگوی حکمروایی خوب شهری به عنوان فرآیند مشارکتی تعریف می‌شود که به موجب آن همه ذی‌نفعان شامل حکومت، بخش خصوصی و جامعه مدنی در ارتباط متقابل با یکدیگر هستند. در این الگو مسئولیت اجرای مستقیم مدیریت شهری کمتر شده و امکان بیشتری برای برنامه‌ریزی و کنترل از پایین به بالا توسط نهادهای خصوصی و مردمی فراهم می‌شود. در این الگو مدیریت شهری از بالا به پایین نبوده و مشارکت شهروندان در اداره امور شهر جزء جدایی‌ناپذیر آن است (Mc Carney et al, 1995: 8). در واقع یکی از جنبه‌های مهم نظریه حکمروایی خوب شهری، بعد مشارکت است. چرا که اصل و بنیان نظریه مذکور بر حکومت مردمی استوار است (Dekker & Kempen, 2004: 43).

به عبارت دیگر، مشارکت یکی از بهترین روش‌ها برای انتقال خواسته‌های سطح محلی به برنامه‌ریزان و مدیران محلی است. بنابراین حکمروایی شهری به معنی مشارکت همزمان و همراه مردم، نهادهای محلی و سازمان‌های دولتی و غیر دولتی به عنوان بازیگران توسعه شهری استفاده می‌شود (نوبری، رحیمی، ۱۳۸۹: ۱۲).

## برنامه NBN

یکی از جالب‌ترین و موفقیت‌آمیزترین شیوه‌ها در زمینه مدیریت شهری که مدت ده سال است در شهر «روچستر» ایالت نیویورک در حال اجرا است، طرح ابتکاری NBN<sup>1</sup> است.

در پاسخ به مشکلات روبه‌رو شده، شهردار شهر روچستر تصمیم به تغییر در روند برنامه‌ریزی در سطح واحد همسایگی و محله گردید. برنامه‌ریزان محلی دریافتند که این مفهوم جدید برنامه‌ریزی توانایی پاسخ‌گویی بیشتری به جامعه مدنی خواهد داشت زیرا شهروندان

<sup>1</sup> Neighbors Building Neighborhoods

حساسیت و احساس مسئولیت بیشتری نسبت به نیازهای محلی و جامعه مدنی خواهند داشت. آرگوست<sup>۱</sup> یکی از حمایت کنندگان، مشارکت مردمی را به عنوان راه حل مشکلات شهری عنوان می کند. او به تشکیل گروه های مردمی در فرآیند برنامه ریزی معتقد است زیرا خیلی مهم است که شهری ایجاد کنیم که در آن مشکلات به کمک هم دیگر حل شود. بنابراین وی طرح NBN را به عنوان مفهومی جدید و طرحی نوین جهت دستیابی به مشارکت مردمی در فرآیندهای تصمیم گیری و برنامه و طرح ریزی عنوان می کند. برنامه ریزان روچستر اعتقاد دارند که طرح NBN بهترین راه حل محسوب می گردد که منجر می شود شهر از انحطاط و تنزل به دور باشد. آن ها تصدیق کردند که شهر شبکه ای از گروه های واحدهای همسایگی را که در شهر فعالیت های قابل توجه و موثری دارند، را در تصرف خود دارد. از دیدگاه دولت، گروه های مردمی همیشه پتانسیل مهم و قابل توجهی جهت شرکت کردن در تغییرات شهر و توانایی بسیج کردن شهروندان دارند. در فرآیند NBN، برنامه ریزان دپارتمان توسعه جامعه مدنی، شهر را به ۳۴ واحد همسایگی در درون ۱۰ بخش در ماه فوریه ۱۹۹۴ تقسیم کردند. زمانی که بخش ها به طور رسمی منتشر و اطلاع رسانی شد، برنامه ریزان شهری رهبران بخش را به عنوان هماهنگ کننده و داوطلبانه استخدام کردند. همه بخش ها از نوعی سلسله مراتب سازمانی ایجاد شده است و هر گروه ساختار منحصر به فرد خود را در بردارد. زمانی که داوطلبان در بخش کمیته مسئول فرآیند برنامه ریزی مشارکتی حضور داشتند، شهروندان برای حضور در جلسات و به اشتراک گذاری ایده ها دعوت می شدند و نیز برنامه ریزان شهری همیشه در جلسات NBN حضور داشته و تعاملات موثری با شهروندان و مشارکت کنندگان داشتند (Fen Kooi, 2006: 6-9).



شکل (۱): منطقه بندی شهر روچستر برای اجرای برنامه NBN

منبع: (Fen Kooi, 2006: Xiii).

## داده ها و روش ها

در این مطالعه، روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است. برای گردآوری اطلاعات مورد نیاز، از منابع کتابخانه ای (برای مبانی نظری) و از ابزار پرسشنامه (برای پژوهش علمی) بهره گرفته شده است. شایان ذکر است، جامعه آماری این پژوهش، با توجه به فرمول کوکران و جمعیت منطقه ۲ کلانشهر تبریز، ۳۸۲ نفر محاسبه گردید. و نیز ابزار پرسشنامه با تعداد سوالات ۱۹ با جواب بسته ۵ گزینه ای بوده و گویه های آن بر اساس طیف رتبه ای لیکرت مورد سنجش قرار گرفته است. روایی پرسشنامه بر اساس اعتبار صوری و پایایی آن با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۲۶ بدست آمده که نشان از پایایی مطلوب پرسشنامه می باشد.

<sup>1</sup> Tam Argust, Interview by Pierre Clavel

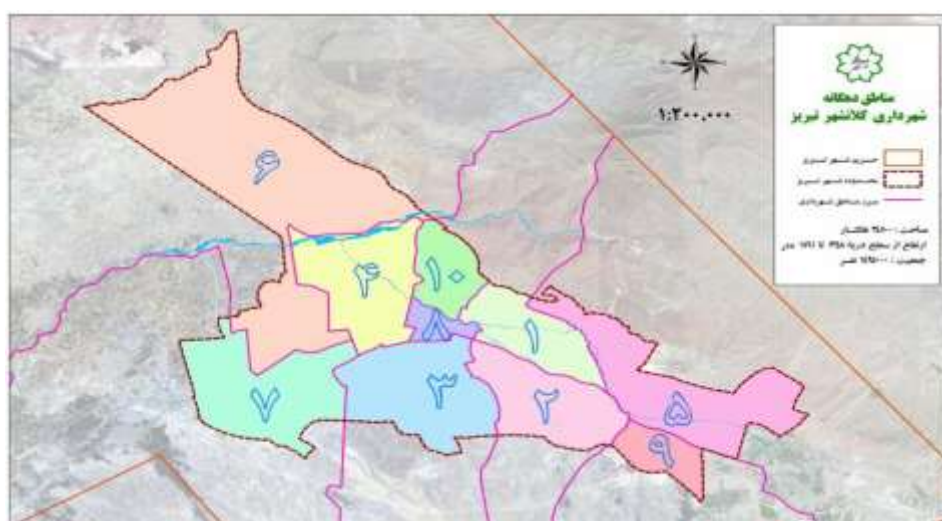
در ادامه با استفاده از نرم افزار لیزرل<sup>۱</sup> و آزمون تی تک نمونه‌ای<sup>۲</sup> در نرم افزار SPSS به تحلیل داده‌های حاصله از پرسشنامه و ارزیابی و اولویت‌دهی به شاخص‌های دخیل در اجرای حکمروایی شهری مشارکتی (برنامه NBN) پرداخته شده است.

تجزیه و تحلیل ساختارهای کواریانس یا همان «مدل یابی معادلات ساختاری»، یکی از اصلی‌ترین روش‌های تجزیه و تحلیل ساختار داده‌های پیچیده و یکی از روش‌های نو برای بررسی روابط علت و معلولی است و به معنی تجزیه و تحلیل متغیرهای مختلفی است که در یک ساختار مبتنی بر تئوری، تاثیرات همزمان متغیرها را به هم نشان می‌دهد. از طریق این روش می‌توان قابل قبول بودن مدل‌های نظری را در جامعه‌های خاص با استفاده از داده‌های همبستگی، غیر آزمایشی و آزمایشی آزمود.

نرم افزار لیزرل به منظور تخمین و آزمون مدل‌های معادلات ساختاری و بررسی و تحلیل روابط خطی بین متغیرهای پنهان و متغیرهای مشاهده‌ای به کار می‌رود. این برنامه، همبستگی و کواریانس‌های بین متغیرهای مشاهده‌ای را برای تخمین مقادیر بارهای عاملی، واریانس‌ها و خطاهای متغیرهای پنهان مورد استفاده قرار می‌دهد (کلانتری، ۱۳۸۸: ۳۵).

### محدوده مورد مطالعه

منطقه ۲ یکی از مناطق ده گانه تبریز می‌باشد و طبق گزارش تحلیلی از نتایج سرشماری سال ۱۳۹۰ به تفکیک مناطق دهگانه تبریز دارای جمعیت ۱۶۹۰۴۷ نفر (حاجی‌زاده، میرآب، ۱۳۹۰: ۶) و مساحتی برابر با ۲۰۸۰ هکتار می‌باشد (همان: ۴۸). حدود اربعه این منطقه از سمت شمال به بلوار بسیج، بلوار ۲۹ بهمن و خیابان امام خمینی (ره)؛ از سمت شرق به بزرگراه شهید کسائی؛ از سمت غرب به بلوار ملاصدرا (ساری زمین)، خیابان شهید منتظری، خیابان آزادی و خیابان شهید جدیری و از سمت جنوب به بزرگراه شهید کسائی و خط محدوده‌ی طرح جامع می‌باشد (سایت شهرداری منطقه ۲ کلان‌شهر تبریز).

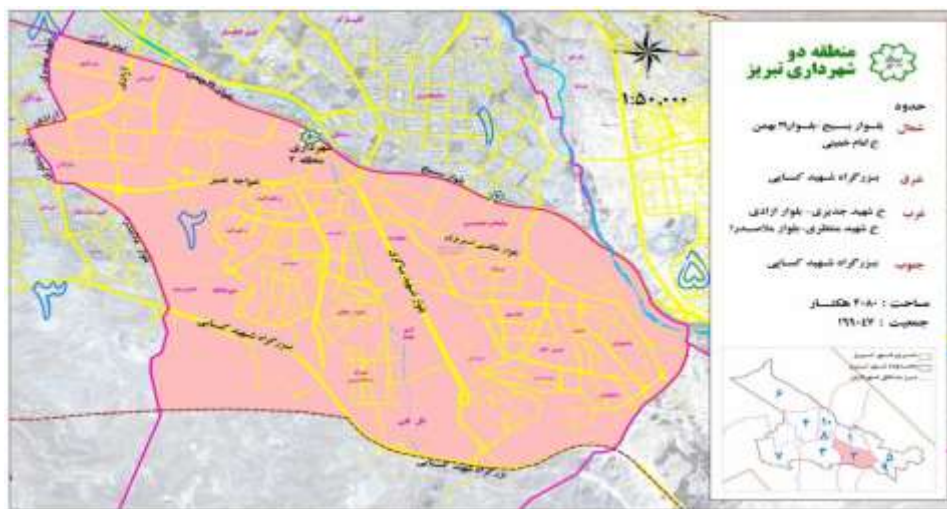


شکل (۲): مناطق دهگانه شهرداری کلان‌شهر تبریز

منبع: (اکبری، ۱۳۹۲: ۲)

<sup>1</sup> LISREL - Linear Structural Relations

<sup>2</sup> One-Sample T- Test



شکل (۳): منطقه دو شهرداری تبریز

منبع: (اکبری، ۱۳۹۲: ۴)

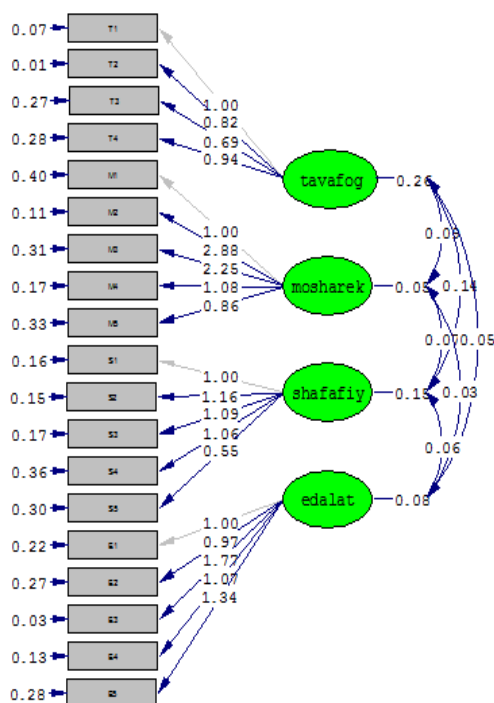
### تجزیه و تحلیل داده‌ها

در مرحله کمی تحقیق با استفاده از روش معادلات ساختاری به بررسی ارتباط متغیرهای مکنون (پنهان) پرداخته و با استفاده از نرم‌افزار لیزرل مدلی ارائه گردید. در روش میدانی همان‌طور که گفته شد از ابزار پرسشنامه که برای هر متغیر پنهان، متغیرهای آشکاری تعریف و استفاده شده است. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از طریق مدل معادلات ساختاری، پس از اینکه داده‌های حاصله از پرسشنامه‌ها وارد نرم افزار آماری SPSS گردید، عملیات کدگذاری روی داده‌ها مطابق جدول ۱ صورت گرفت و داده‌های کدگذاری شده در محیط برنامه لیزرل فراخوانده شد و به تجزیه و تحلیل داده‌ها اقدام گردید. شکل شماره ۴ مدل استاندارد شده را نشان می‌دهد.

جدول (۱): متغیرهای پنهان و آشکار در تحقیق

کد	متغیر آشکار	متغیر پنهان
T1	وجود هم فکری و هم سویی بین مدیران و مسئولان شهری و شهروندان.	توافق جمعی
T2	وجود تعامل بین سه نهاد دولت، بخش خصوصی و سازمان‌های غیررسمی و شهروندان.	
T3	وجود توافق جمعی و تعامل موثر بین شهروندان.	
T4	بهره‌مندی از اظهار نظر اهالی محله نسبت به عملکرد مدیریت شهری.	مشارکت شهروندی
M1	بهره‌مندی از شورابارها و سرای محلات و تشکل‌های غیردولتی به عنوان پل ارتباطی بین شهروندان و مدیران شهری.	
M2	انجام اقدامات مثبت برای گروه‌های درخاشیه در منطقه به منظور توجه به نیازهای همه شهروندان.	
M3	برگزاری جلسات و اتاق فکر بین شهروندان جهت انتقال نیازها و ایده‌ها در نهادهای مربوطه.	
M4	ایجاد کمیته‌های داوطلبانه شامل مشارکت شهروندی، آموزش و تحصیل، بهداشت، امنیت و ...	
M5	مشورت نهادهای مدنی و بخش خصوصی در برنامه‌ریزی‌ها، تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری با مسئولان و مدیران شهری.	شفافیت
S1	اطلاع رسانی و برگزاری نشست‌های همگانی به منظور در جریان قرار دادن شهروندان نسبت به موضوعات و مسائل عمرانی.	
S2	امکان دسترسی آزاد و شفاف شهروندان به اطلاعات.	

S3	امکان مستندسازی اطلاعات موجود.	
S4	وضوح رویه‌ها و نظارت‌ها و مسئولیت‌ها در زمینه طرح‌ها و قراردادهای و مناقصه‌ها.	
S5	وجود دسترسی آزاد مقامات محلی به اطلاعات و نیز ایجاد قوانین حاکم بر این دسترسی.	
E1	اتخاذ همکاری از گروه‌های محروم در فرآیند مشارکت و تبادل نظر در منطقه.	
E2	وجود تخصیص عادلانه منابع و خدمات به شهروندان در محلات بین منطقه و وجود نهادهای مردمی جهت حمایت از اقشار کم درآمد.	
E3	اولویت بندی عادلانه خدمات شهری بین محلات منطقه.	عدالت
E4	وجود محرکه‌ها و بستریهایی به منظور سرمایه‌گذاری در منطقه از طریق مشارکت شهروندی.	
E5	بهره‌مندی از مشارکت زنان به دسترسی برابر به فرآیندهای تصمیم‌گیری در منطقه.	



Chi-Square=128.59, df=146, P-value=0.00000, RMSEA=0.05

#### شکل (۴): بارهای عاملی استاندارد شده

منبع: یافته‌های تحقیق بر اساس پرسشنامه

این مرحله بیش از آنکه یک کار آماری باشد، تدوین یک فرض تئوریک است که بر مبنای آن متغیرهای نهفته و آشکار مشخص و سپس روابط بین متغیرهای نهفته با یکدیگر و هم چنین ارتباط بین آن‌ها با شاخص‌ها یا متغیرهای قابل مشاهده، مشخص می‌شود (کلانتری، ۱۳۸۸: ۴۲).



هدف از ارزیابی برازش کل مدل این است که مشخص شود تا چه حد کل مدل با داده‌های تجربی مورد استفاده سازگاری و توافق دارد. برای ارزیابی برازش مدل در این تحقیق، برنامه لیزرل، شاخص‌های برازش را ایجاد نموده است که بدین شرح می‌باشد:

جدول (۲): شاخص‌های نیکویی برازش مدل

وضعیت مدل	شاخص‌ها	
۰/۰۵	ریشه میانگین توان دوم خطای تقریب	Root Mean Square Error of Approximation (RMSEA)
۰/۹۲	شاخص برازندگی	Goodness of Fit Index (GFI)
۰/۷۳	شاخص برازندگی تعدیل یافته	Adjusted Goodness of Fit Index (AGFI)
۰/۹۱	شاخص برازش غیر نرم	Non-Normed Fit Index (NNFI)
۰/۹۲	شاخص هنجار شده برازندگی	Normed Fit Index (NFI)

منبع: یافته‌های تحقیق بر اساس پرسشنامه

مقدار مطلوب شاخص RMSEA برای مدل‌ها برابر یا کمتر از ۰/۰۸ است، مطابق جدول فوق، مقدار بدست آمده این شاخص ۰/۰۵ بوده که نشان از برازش مطلوب مدل بوده است (علی‌بابائی، ۱۳۹۲: ۳۹).

مقدار مطلوب GFI و AGFI باید بین صفر و یک باشد و هر چقدر به یک نزدیکتر باشد، بیانگر برازش بهتر مدل است که با توجه به جدول مقدار این شاخص نیز نشان از برازش مطلوب دارد، میزان NFI محاسبه شده ۰/۹۲ است که در این شاخص مقادیر برابر یا بزرگتر از ۰/۹ به عنوان شاخص خوبی برای برازندگی مدل‌های نظری می‌باشد، و مقدار NNFI نیز باید بالاتر از ۰/۹ باشد تا مدل برازش خوبی داشته باشد که بر طبق جدول مقدار این شاخص بالاتر از ۰/۹ بوده که نشان از برازش قابل قبول برای مدل می‌باشد (کریم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۵).

اولویت‌بندی شاخص‌ها نیز در محیط برنامه لیزرل با توجه به مقدار T-Values شاخص‌های بدست آمده مشخص می‌گردد که بدین صورت می‌باشد:

جدول (۳): اولویت شاخص‌ها در برنامه لیزرل

رتبه	مقدار T-Values	شاخص‌ها
۱	۱۰/۷۲	توافق جمعی
۲	۷/۲۸	شفافیت
۳	۶/۱	مشارکت شهروندی
۴	۵/۱۸	عدالت

منبع: یافته‌های تحقیق بر اساس پرسشنامه

همانطور که مشخص است با توجه به مقادیر T-Values شاخص‌ها، شاخص توافق جمعی با مقدار ۱۰/۷۲ در رتبه اول قرار گرفته است، در واقع هر اندازه که نقطه نظرات در یک جامعه از تفاوت‌های زیادی برخوردار باشند، بازیگران گوناگونی نیز وجود خواهند داشت لذا بهتر است مدیریت شهری، منافع و سلاقی مختلف در جامعه را به سمت اجماعی گسترده که بهترین و بیشترین منفعت را برای تمام اجماع شامل گردد، هدایت شود. به عبارت دیگر، شهر عرصه گروه‌ها و منافع مختلف و گاه در حال ستیز با یکدیگر است، منظور از توافق جمعی، تعدیل و ایجاد توافق منافع مختلف است.

در رتبه دوم، شاخص شفافیت با مقدار T-Value ۷/۲۸ قرار گرفته و این بدین معنی است که عدم شفافیت و پنهان‌کاری در مسائل امور شهری، امکان بروز فساد در تصمیم‌گیری را افزایش می‌دهد. حال آنکه شفافیت مانع از گسترش آن می‌شود.

شاخص مشارکت شهروندی، یعنی قدرت تاثیرگذاردن شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها و سهیم شدن آنان در قدرت با مقدار T-Value، ۶/۱ در رتبه سوم قرار گرفته است.

و در رتبه چهارم شاخص عدالت، یعنی ایجاد فرصت‌های مناسب برای همه شهروندان در زمینه‌ی ارتقای وضعیت رفاهی خود، تلاش در جهت تخصیص عادلانه منابع و مشارکت اقشار محروم در اعلام نظر و تصمیم‌گیری‌ها، با مقدار ۵/۱۸ قرار گرفته است.

در ادامه به منظور تحلیل وضعیت شاخص‌ها جهت اجرای حکمروایی شهری مشارکتی (برنامه NBN) در منطقه ۲ کلان‌شهر تبریز از آزمون تی تک نمونه‌ای در نرم افزار SPSS بهره گرفته شده است که بدین شرح می‌باشد:

جدول (۴): نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای در منطقه ۲ کلان‌شهر تبریز

میانگین نظری = ۳							
شاخص	تعداد	میانگین	آماره t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	انحراف معیار	فاصله اطمینان ۹۵٪
							تفاضل میانگین
							حد بالا / حد پایین
مشارکت شهروندی	۳۸۲	۲/۱۱	-۳۲/۱۲	۳۸۱	۰/۰۰۰	۰/۵۴۷	-۰/۸۶۹۲ / -۰/۸۸۳۷
توافق جمعی	۳۸۲	۲/۰۳	-۳۴/۸۴	۳۸۱	۰/۰۰۰	۰/۳۵۸۶	-۰/۹۶۷۵ / -۰/۹۱۲۷
شفافیت	۳۸۲	۱/۷۳	-۳۵/۱۰	۳۸۱	۰/۰۰۰	۰/۶۵۰	-۰/۱۵۵۰ / -۰/۹۳۹۹
عدالت	۳۸۲	۲/۰۱	-۳۵/۸۹	۳۸۱	۰/۰۰۰	۰/۴۷۶۶	-۰/۹۷۸۶ / -۰/۹۳۲۱

منبع: یافته‌های تحقیق بر اساس پرسشنامه

با توجه به نتایج جدول فوق، سطح معنی‌داری تمام شاخص‌ها کمتر از ۰/۰۵ است این بدان معنی می‌باشد که میانگین شاخص‌ها با میانگین نظری ۳ اختلاف دارد و با توجه به مقادیر دو ستون حد بالا و پایین که در شاخص‌ها هر دو منفی هستند می‌توان گفت میانگین شاخص‌ها پایین‌تر از میانگین نظری ۳ می‌باشد در نتیجه با ضریب اطمینان ۹۵٪ و سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵ می‌توان گفت که منطقه ۲ کلان‌شهر تبریز در راستای اجرای حکمروایی شهری مشارکتی (برنامه NBN) از وضعیت مناسبی برخوردار نیست.

## نتیجه‌گیری

یکی از موفقیت‌آمیزترین الگوها در زمینه مدیریت شهری، الگوی «حکمروایی خوب شهری» است که در واقع یک سیستم مدیریت شهری به شکل مشارکتی می‌باشد، که سه نهاد جامعه مدنی، بخش خصوصی و دولت در تمامی تصمیم‌گیری‌های مربوطه، مشارکت می‌کنند. محوریت این رویکرد در مدیریت شهری، بر مبنای توسعه‌ای شهروندمداری و برابرخواهانه، برای تاثیرگذاری تمامی نیروهای دارای نفع و نفوذ در اداره امور شهرها و هم چنین پاسخگویی به تمامی نیازهای این گروه‌ها می‌باشد در واقع، می‌توان گفت که بدون مشارکت فعال شهروندان، حکمرانی شهری در مفهوم واقعی آن تحقق نخواهد یافت و مدیریت شهری در چارچوبی محدود و ایستا و بدون مشارکت شهروندان، با اعمال قدرتی یک سویه و مسلط در تصمیم‌گیری نسبت به مسائل شهر باقی خواهند ماند. بنابراین مشارکت شهروندان موتور محرکه مدیریت شهری است که نقش عمده‌ای در حل بسیاری از مشکلات و مسائل شهری دارد (زیاری و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۶).

در این راستا، برنامه NBN یکی از خلاقانه‌ترین و موثرترین شیوه‌ها در زمینه مدیریت و حکمروایی شهری معاصر است که حدود دو دهه از آن در شهر روچستر ایالت نیویورک می‌گذرد. این شیوه در واقع یک سیستم مدیریت شهری است که بر پایه مشارکت حداکثری شهروندان بنیان نهاده شده و در آن، مردم همگام با دولت در تمامی تصمیم‌گیری‌های مربوطه، مشارکت می‌کنند. این شیوه اقدام نوین و پربازده را که در اصطلاح «همسایه‌ها محیط پیرامون همسایگی خود را ساماندهی می‌کنند» عنوان گرفته است، می‌توان یکی از جدی

ترین گام ها در زمینه تمرکز زدایی از مدیریت متمرکز و «برنامه ریزی از بالا به پایین»<sup>۱</sup> شهری و حرکت به سوی حکمروایی مشارکتی غیر متمرکز و «برنامه ریزی از پایین به بالا»<sup>۲</sup> دانست (اسفندی، ۱۳۹۱: ۱۰۹).

در پژوهش حاضر سعی شده است تا به ارزیابی عوامل موثر در اجرای حکمروایی شهری مشارکتی (برنامه NBN) پرداخته شود، نتایج حاصله از تحلیل داده‌ها در محیط برنامه لیزرل نشان می‌دهد که مدل از برازش مناسبی برخوردار بوده و در بین شاخص‌ها با توجه به مقدار T-Values آن‌ها، شاخص «توافق جمعی» به عنوان شاخص برتر محاسبه گردید و شاخص‌های شفافیت، مشارکت شهروندی و عدالت به ترتیب در رتبه‌های بعدی قرار گرفته است. و نیز با توجه به نتایج حاصله از تحلیل داده‌ها در SPSS و آزمون تی تک نمونه‌ای و سطح معنی‌داری، میانگین شاخص‌ها با میانگین نظری و مقادیر حدود بالا و پایین که در همه شاخص‌ها منفی هستند، می‌توان گفت عوامل موثر بر اجرای حکمروایی شهری مشارکتی (برنامه NBN) در وضعیت نامطلوبی قرار گرفته است.

ابراهیم‌زاده و اسدیان در پژوهش خود به این نتیجه رسیده‌اند که در شهر کاشمر میزان تحقق‌پذیری حکمروایی خوب شهری در سطح پایینی قرار گرفته است. نتایج بدست آمده از این پژوهش نیز بیانگر این است که عوامل موثر بر اجرای حکمروایی شهری مشارکتی در وضعیت نامطلوبی قرار گرفته است. مشکینی و مؤذن در تحقیق خود به این نتیجه رسیده‌اند که به لحاظ حکمروایی مطلوب شهری، شهر عجب‌شر از وضعیتی نامناسبی برخوردار است و به لحاظ ابعاد پایداری نیز در وضعیت مطلوبی قرار ندارد. در این پژوهش نیز منطقه ۲ کلان‌شهر تبریز از لحاظ میزان تحقق‌پذیری حکمروایی شهری مشارکتی (برنامه NBN) در وضعیت نامطلوبی قرار دارد. Nurudin et al در پژوهش خود به این نتیجه رسیده‌اند که موانع مشارکت مردمی در شورای شهرداری سرمبان از محدودیت پخش و انتشار اطلاعات و برنامه‌ها ناشی می‌شود. در همین زمینه طی محاصبه‌ای که با مردم محلی داشتند، ادعا کرده‌اند که به برنامه‌هایی که توسط شورای شهرداری سرمبان ساماندهی می‌شوند، آگاهی کافی ندارند. در پژوهش حاضر طبق آزمون تی تک نمونه‌ای، شفافیت در مسائل امور شهری در منطقه ۲ کلان‌شهر تبریز وجود ندارد.

با در نظر گرفتن نتایج بدست آمده به منظور تحقق‌پذیری حکمروایی شهری مشارکتی (برنامه NBN) در منطقه ۲ کلان‌شهر تبریز، پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

- تغییر در فرآیند برنامه‌ریزی از برنامه‌ریزی جامع به برنامه‌ریزی راهبردی، هدفمند، یکپارچه و مشارکتی؛
- تعریف نقش و جایگاه مشخص برای شهروندان در امور مختلف و تصمیم‌گیری در خصوص اولویت اجرای پروژه‌ها؛
- رفع هر گونه اقدام جبری از سوی متولیان امور شهری و کمک به ایجاد فضای تعاملی؛
- بکارگیری رویکرد پایین به بالا در سیستم مدیریتی با هدف بکارگیری نیروهای متخصص محلی؛
- برقراری ارتباط و تلاش مشترک میان سازمان‌های دولتی، شهروندان و سازمان‌های غیر دولتی به منظور دستیابی به توافق جمعی؛
- پیوند بیشتر نهادهای دولتی و تشکل‌های غیردولتی با شهروندان از راه برگزاری نشست‌های مشترک و بهره‌گیری از دیدگاه‌های شهروندان؛
- شفاف‌سازی سیاست‌ها، قوانین و مقررات در زمینه طرح‌های عمرانی و توسعه؛
- ایجاد پایگاه‌های اطلاعاتی شفاف و امکان دسترسی آزاد شهروندان به اطلاعات؛
- آموزش شهروندی و آگاهی‌سازی شهروندان با مفهوم شهروند، حقوق و مسئولیت‌های آنان با بسترسازی فرهنگی؛
- برقراری اصول عدالت اجتماعی و افزایش دسترسی همه شهروندان به خدمات و زیرساخت‌های شهری؛

<sup>1</sup> Top-Down Planning

<sup>2</sup> Bottom-Up Planning

## منابع:

- ابراهیم‌زاده، عیسی و مرتضی اسدیان، (۱۳۹۲)، تحلیل و ارزیابی میزان تحقق‌پذیری حکمروایی خوب شهری در ایران، موردشناسی: شهر کاشمر، فصلنامه جغرافیا و آمایش شهری- منطقه‌ای، شماره ۶، صص ۱۷-۳۰.
- اسفندی، سعید (۱۳۹۱). امکان سنجی پیاده‌سازی مدل حکمرانی شهری مشارکتی در سطح واحد همسایگی (NBN) در منطقه ۲۲ شهر تهران، مجموعه مقالات همایش ملی حکمرانی خوب شهری، شهرداری تهران، معاونت امور اجتماعی و فرهنگی، جلد دوم، صص ۱۳۲-۱۰۹.
- اکبری، مجید، (۱۳۹۲)، اهم ضوابط و مقررات شهرسازی و معماری (مطابق طرح تفصیلی یکپارچه شهر تبریز)، اداره نظارت بر ضوابط و مقررات شهرسازی، معاونت شهرسازی و معماری کلان‌شهر تبریز، چاپ اول.
- برک‌پور، ناصر، اسدی، ایرج، (۱۳۸۸)، **مدیریت و حکمروایی شهری**، انتشارات دانشگاه هنر، تهران.
- برک‌پور، ناصر، (۱۳۸۵)، حکمروایی شهری و نظام اداره شهرها در ایران، اولین همایش برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- پورمحمدی، محمدرضا؛ حسین‌زاده دلیر، کریم و عیسی پیری، (۱۳۸۹)، حکمروایی مطلوب شهری بر بنیان سرمایه اجتماعی: آزمون نظم نهادی- فضایی ارتباطی و فاعلیت‌مندی غیر اقتصادی، مطالعه موردی: کلان‌شهر تبریز، فصلنامه مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، دوره ۱، شماره ۱، صص ۳۵-۵۲.
- تقوایی، علی اکبر و رسول تاجدار، (۱۳۸۸)، درآمدی بر حکمروایی خوب شهری در رویکرد تحلیلی، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۲۳، صص ۴۵-۵۸.
- حاجی‌زاده، جواد، میرآب، جلال، (۱۳۹۰). گزارش تحلیلی از نتایج سرشماری سال ۱۳۹۰ به تفکیک مناطق ده‌گانه شهرداری تبریز، معاونت برنامه‌ریزی و توسعه، مدیریت آمار و تحلیل اطلاعات.
- حناچی، سیمین، (۱۳۸۳)، بررسی نظام برنامه و مدیریت توسعه شهری در ایران، فصلنامه شهرسازی و معماری آبادی، سال ۱۴، شماره ۴۲، صص ۷۸-۸۳.
- زیاری، کرامت‌الله؛ نیک‌پی، وحید و علی حسینی، (۱۳۹۱)، سنجش میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری بر اساس الگوی حکمرانی خوب شهری (مطالعه موردی: شهر یاسوج)، فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۴۱، صص ۶۹-۸۶.
- سایت اینترنتی شهرداری منطقه ۲ کلان‌شهر تبریز به نشانی: [www.m2.tabriz.ir](http://www.m2.tabriz.ir)، تاریخ دسترسی: ۱۳۹۷/۰۲/۱۶.
- شریفیان‌ثانی، مریم، (۱۳۸۰)، مشارکت شهروندی، حکمرانی شهری و مدیریت شهری، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۸۵، صص ۴۲-۵۵.
- صدر موسوی، میرستار؛ کریم‌زاده، حسین و عقیل خالقی، (۱۳۹۴)، تحلیلی بر عوامل مشارکت پایین زنان روستایی در نیروی کار با استفاده از روش آمیخته، مورد: دهستان سینا در شهرستان ورزقان، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال پنجم، شماره ۲، صص ۱۵-۱۶.
- علی بابائی، یحیی، (۱۳۹۲)، آموزش نرم افزار لیزرل، صص ۳۹، ۴۸ و ۵۱.
- علیزاده اقدم، محمدباقر؛ عباس‌زاده، محمد؛ کوهی، کمال و داوود مختاری، (۱۳۹۲)، نهادهای شهری و مشارکت شهروندان در اداره امور شهری (مطالعه موردی: شهر اصفهان)، نشریه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۵، شماره ۲، صص ۱۹۵-۲۱۴.
- کلانتری، خلیل، (۱۳۸۸)، **مدلسازی معادلات ساختاری در تحقیقات اجتماعی- اقتصادی**، انتشارات فرهنگ.

- مشکینی، ابوالفضل و سهراب موذن، (۱۳۹۳)، تحلیل حکمروایی مطلوب شهری در پایداری شهرها، مطالعه موردی: شهر عجب‌شر، فصلنامه آمایش محیط، شماره ۲۹، صص ۹۹-۱۳۱.
- نوبری، نازک، رحیمی، محمد، (۱۳۸۹). حکمرانی خوب شهری یک ضرورت تجدید ناپذیر، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، فصلنامه دانش شهر، شماره ۱۱، صص ۳-۴۸.
- Brown, R and Glenn, H,(2005), Management of Wildlife Corridors: The Case for Citizen Participation in the Algonquin to Adirondack Proposal, Journal of Environmental Management, Vol 74, No 2, pp 97-106.
- Chhotary.V, Stoker.G ,(2009), Governance Theory and Practice: A Cross-Disciplinary Approach, University of Groningen. Netherlands.
- Dekker, K. & Kempen, R, (2004), Urban Governance within the Big Cities, Urban and Regional Research Centre Utrecht, Faculty of Geosciences, Utrecht University of Netherlands,pp: 41-55.
- Fenkooi. A, (2006), Neighbors building Neighborhoods: A critical look at citizen Participation in Rochester, Department of City and Reginal Planning at Cornell University, pp6-9.
- Kadago.J, Sandholz.S, Hamhaber.J,(2010), Good Urban Governance, Actors Relations and Paradigms:Lessons from Nairobi and Recief, Brazil, 46th ISOCARP Congress.
- McCarney.p, Halfani,M. and Rodriguez,A.(1995), Towards an Understanding of Governance, the Emergency of an Idea and its Implications for Urban Research in Developing Countries, University of Toronto.
- Nurudin.S,Hashim.R,Zulkifli.N,(2015),Publi Participation Process At Local Government Administration:A Case Study I Seremban Municipal Council,Malaysia,2<sup>nd</sup> Global Conference On Business And Social Sceince,Indonesia,17-18 September, pp505-512.
- UN-Habitat,(2002), The Global Campaign on Urban Governance, Concept Paper,2<sup>nd</sup> Edition.